



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۲۴

داکتر ص سعیدی

قضاوتش بر شما!

مارشال؟! میگوید و ادعا میکند که برای من لست پنج نفر را دادند تا ایشان را ترور کنم و در مقابل هر ترور ۲۵ لک افغانی بدست آورم!

اولتر از همه در دنیای ما تأمین عدالت ممکن نیست، قاتل مقتول، اولاد، زن و والدین و دوستان دارد و حتی با حکم قصاص هم عدالت در حق این اقارب قاتل تأمین نمی شود و به این ترتیب جنگ و قصه جنگ غم انگیز است و ابعاد مختلف با تأثیرات غم انگیز دارد!

اما علت این نوشته من خوشی و خفگان شخصی من و توجیه این حالت روانی من نیست! منظور ازین نوشته جانب مسلکی صحت و سقم اظهارات است مارشال در ترازوی عقل و منطق و مسلک است! اینکه عدالت به ترتیب تأمین نمی شود، ولی قرار قوانین اجراءات جزایی کشور های پیشرفته، اگر تسلسل منطقی سخن چنان بود که به ثبوت ادعای حکم میکرد، و مستندات غیر مستقیم با تسلسل منطقی وجود داشت، بر قاضی و مستنطق قاضی است، موضوع را پیگیری و دیگر مستندات را جستجو کند! و حال که این را گفتیم، در صورت اقرار بر مستنطق است تا اقرار را کافی نداند و مستندات را جستجو کند که انگیزه عمل جرمی و سایر جزییات قضیه را مستند ساخته بتواند. به این ترتیب برای اثبات جرم، تنها اقرار کفایت نمی کند. به این ترتیب اگر برای اثبات جرم شواهد بدون تزلزل کار است و اصل در مسایل حدودی چنین است که (الحدود تسقط بالشبهات) (تطبیق و اثبات تخلف حدودی به علت بوجود آمدن شبهه ساقط میشود، اصل اقرار برای تذکیر مورد سوال قرار میگیرد که بر مستنطق است، تا بعد از اقرار برای تذکیر نباید به آن قانع شود و مستندات دیگر نیز در مورد ضرورت دیده میشود! و حال که درین مبحثیم، طریق اثبات جزا های حدودی، عملاً بسیار مشکل و حتی در موارد ناممکن شده و شارع در تطبیق جزاء های حدودی تلاش ندارد، واصل تربیت و وقایه بیشتر منظور است! (بحث طویل و عریض است!).

در کشور های عقب مانده زمانیکه کس اقرار کرد، مانند حجت قاصره بر مقر (اقرار کننده) سند شد و این اقرار هم چنانچه گفته آمدیم، مستند شود، و اگر اقرار متعلق به خود و شریک جرمش باشد، چنین اقرار مقصر و منحصر به خودش میشود و بر شریک جرمش سند اثباتیه نیست، بلکی یک طعن است که بر مستنطق است تا شواهد دیگر را جستجو کند!

متهم مکلف به اثبات بی گناهی نیست، این اتهام وارد، کننده است که اتهام را ثابت کند. سفارش همیشه به مؤکلم بوده که کمتر صحبت کند و دلیل برای بی گناه بودن خود تا زمانیکه سند علیه وی ارایه نه شده، پیشکش نه کند و نیاورد، بخاطر اینکه بی گناهی و پاکی اصل است و عکس آن را علیه وی کس (مستنطق) ثابت کند! (البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر)!

اما ما، تجربه ما و شناخت مسلکی ما این است که استخبارات کشورها برای تهدید، مهار کردن، انقیاد، انهدام فزیک، و شکستن مخالفین در کشور های جهان کم و بیش از لچک ها، خولیکان ها، دزدان، مافیا، جنایتکاران به صورت عموم، قاتلان اجرتی و... نیز کار میگیرند و استفاده برده و این جنایتکاران را علیه مخالف و یا مخالفین خود از دست دوم و سوم بکار می بندند، استعمال و استفاده میکنند، در صورت دستگیری جانی و قاتل هم کسی رد پای فرمایش دهنده جنایت را یافته نمی توانند! به این ترتیب استفاده از قاتلان اجراتی یک امر مروج و موجود در کشورهاییکه حاکمیت شان فرا قانون و یا مسؤولین امنیتی امور به ابتکار خود به بکار گیری آن میپردازند و جمهوریت اخیر در افغانستان نیز ازین روشها مستثنی نبود!

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولی

در سطح دولتی مثلاً استخبارات پاکستان علیه مخالفین خود و علیه افغانستان از تروریستان و افراطیون استفاده کرده و میکنند!

نظام براندازی ها در افغانستان توسط پاکستان اگر در جنگهای کلان شرق و غرب و یا حالا هست، از همین وسایل نا مشروع و غیر انسانی استفاده شده و همین حالا نیز جریان دارد!

بحث رسیدن و توجیه رسیدن به اهداف و لو مشروع، به وسایل و امکانات نامشروع و غیر انسانی، بحث مستقل دیگری هست که من شخصاً به آن باور ندارم، نه تنها که سفارش نمی کنم، بلمی عامل و یا عاملین را باید به را باید به عدالت سپرد!

بر مخالفین مسلح موجود حاکمیت طالب در افغانستان است تا ازین حالت تباه کن ، پیوستن به دشمن پاکستانی برای تحقق اهداف خویش دست بردار ترند و از تیشه بر ریشه خود دست بکشند! استابلشمنتد پاکستان در طول تاریخ در حق مردم افغانستان و افغانستان خیانت و جامعه ساده جهانی را استادانه فریب داده بود و فریب داده! استابلشمنت پاکستان دشمن مردم افغانستان بود، هست و باقی خواهد ماند! تا زمانیکه موجود سرطانی به نام پاکستان وجود داشته باشد، افغانستان روز خوش را ته خواهد دید!

تا اینجای سخن مشکل در صحت و سقم آن و این بحث در جای خویش باقی، محرک و انگیزه اصلی و علت اصلی این نوشته نیست!

در زمان جمهوریت خبر داریم ، شنیدیم و دیدیم که خبرنگار افغان، نوکر سفارت ایران در افغانستان که بخاطر خبرنگاری و دستکاری در تبلیغات به فرمایش ایران به صورت دوامدار از سفارت ایران، پول بدست می آورد و زمانی به پول بیشتر نیاز داشت که موثر میخرد و سفارت ایران در کابل از دادن پول ابا ورزید! خبر نگار مذکور تهدید به افشاء گری کرد و برنامه تلویزیونی افغانستان علیه سفارت ایران در کابل بخش از افشاء گری عا رانمرد و بقیه را مانند تهدید برای برنامه دیگر گذاشت! قرار انتظار همان خبر نگار چند روز بعد توسط قاتلان حرفوی با سیم و حلقه مخصوص در پیش خانه اش، خفک و کشته شده و قاتلان در حال فرار در راه جلال آباد دستگیر بخاطر دستگیر میشوند که سفارت ایران از طریق چینل های خود قاتلان را به دام انداخته و ثابت میسازند و اعلان کردند که گویا شما مردم ما را متهم میکردید، که قاتل ایم، در حالیکه قاتل دستگیر و اعتراف هم کرد! یعنی فرمایش دادن و بعد قاتل را دستگیر و یا به گیر هم دادند!

دادن فرمایش چنین جنایات بسیار حساس و محتاط صورت میگیرد و به تدریج! جنایت کاری انتخاب میشود و دست سوم و چهارم به جنایت کار میگوید، اگر قتل را انجام دهد، چه مقدار پول و امتیاز از قبل و یا تیم و یا کل بدست می آورد! جنایتکار نام و آدرس شخص مورد نظر را میپرسد و فرمایش دهند بخاطر احتیاط معلومات را در صورت متیقن شدن به تدریج و کم کم در اختیار میگذارد و در آخر معلومات بعد از متیقن شدن مراحل اولی به قاتل داده میشود! منطق سخت همان احتیاط و مرحله به مرحله و بعد از ختم یک جرم، در مورد جرم دیگر و بعد به تدریج دیگر بحث و با تمام احتیاط عمل میشود!

اما به هیچ صورت بریکمرتب ای لست پنج شش تن غیر مرتبط ، بدون ترس از افشاء شدن و یا کدام ناکامی دیگر به قاتل و جنایت کار حرفوی افشاء و داده نمی شود، این همان چیزی است که مارشال ما ادعا دارد که برایش لست پنج شش تن داده شد که وی ایشان را ترور کند! با چنین روش معلوم میشود که این مارشال دروغ میگوید و این گپ را از کدام جای شنیده و خود بزرگی میکند! هیچ مرجع استخباراتی چنین لست را یک مرتبه ای و از قبل به جنایت کار نمی سپارد و این منطق ندارد که چنین لست به وی داده شده باشد! اگر یک تن را میگفت و اگر از قتل های که اجرا کرده شهادت امامان و موعظین در شهر نو و وزیر اکبر خان کابل و عمل اجرا شده را اقرار میکرد، بحث دیگر بود!

والله اعلم بالصواب!

عدالت در میدیا ممکن نیست! مستنطق باید دوسیه را برداشته و به صورت جداگانه شواهد و مستندات را بررسی کند، در غیر آن حدس و گمان و حد اکثر تسلسل منطقی و مسلکی است که به نهایی شدن ضرورت دارد!

داکتر ص سعیدی

۲۰۲۶/۸/۲۲

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸